



مقام معظم رهبری (مدظله العالی) :

من همه شما عزیزان را به توجّه به دعا در این ایام، توجّه به نماز، اقبال به روزه و استفاده از روزها و شبهای ماه رمضان دعوت میکنم.

گفتنیان

گاهنامه سیاسی، صنفی، اجتماعی گفتمان حق • صاحب امتیاز: جامعه اسلامی دانشجویان صنعتی قم • سال هشتم • هفته چهارم فروردین ماه ۱۴۰۰ • شماره ۴۵

سرمقاله

به وقت هوشیاری

نگاهی به مسئله انتخابات

محمد مهدی کریمیان

نظام حاکم بر ایران، جمهوری اسلامی است و مناصب و مقامات ما برآمده از جمهور ملت است. اگر این انتخابات در نظام جمهوری اسلامی وجود نمی داشت امروز از انقلابی که مرد خدا، خمینی کبیر (ره)، بر پایه ی مردم سالاری دینی پایه گذاری کرده بودند، اثری نمی ماند.

تحلیل ویژه

اندر احوالات یک توافقتنامه

تحلیلی پیرامون قرارداد ایران و چین

علی ساریغانی

آغاز گمانه زنی ها درباره قرار داد ۲۰ ساله ایران و چین شاید ۷ تیر ۱۳۹۹ بود. زمانی که محمود احمدی نژاد در ادامه سلسله نظرات عجیب خود، گفت: «دولت ایران به صورت مخفیانه در حال امضای قراردادی ۲۵ ساله با یک دولت خارجی است.»

ادامه مطلب پشت صفحه...



انتخابات عرصه قدرت نمایی ملت

یادداشت ویژه

شروع راه بندگی

یادداشتی برای بهره مندی بیشتر از مهمانی خدا

گمنام

ماه رمضان طبق فرمایش ائمه اطهار علیهم السلام و علمای عظام، شهر ضیافت الهی، بهار قرآن، ماهی که ایلیس را به بند کشند و درب های دوزخ ببندند، ماه تزکیه و تهذیب نفس، موسم تحول از منیت به آدمیت و ابتدای راه بندگی و ابتدای سال برای سالک الی الله است.

ادامه مطلب پشت صفحه...

شهیاد مدافع حرم

مجید بربری

نگاهی به زندگانی شهید مجید قربانخانی

خانم علیدادی رابنی

اسمش مجید قربانخانی بود پیش میگفتن مجید بربری؛ شهیدی که عاشق قلیون بود و چاقو سلاخی تو جیبش داشت و خالکوبی؛ اما خدا پاکش کرد و...

ادامه مطلب پشت صفحه...

پرونده ویژه

ما مبترانیم

تاریخچه ای کوتاه از روز ملی فناوری هسته ای

آزمین و کیلی

عقل می گوید دشوار است و عشق می گوید شیرین، این هر دو را خدا آفریده است تا وجود انسان در حیرتی میان عقل و عشق معنا شود. آیا می توان با ابزار عقل به تماشای دانشمندان گمنامی نشست که خود نماد خودباوری و اقتدارند، جوانانی که آوازه ی (ما می ساخته اند) را بر سر در دل های تمام ایرانیان حک کرده اند و آوازه ی دستاوردهایشان سیمرخ عزت، قدرت و عظمت جوانان انقلابی را در آسمان باورهایمان به پرواز در می آورد.

۲۰ فروردین ماه سال ۱۳۸۵ بود، همان روز هایی که در رادیو و تلویزیون کلمات تازه ای به گوشمان میخورد، غنی سازی اورانیوم، کیک زرد، بیروزی بزرگ و... آری دیری نگذشت که با تلاش های بی وقفه و اتکا به خداوند متعال در ظل منویات رهبر انقلاب اسلامی امام خامنه ای (مدظله العالی) و با تکیه بر فرمایشات (نظام اسلامی در زمینه انرژی هسته ای حتی یک قدم عقب نشینی نخواهد کرد.) دانشمندان صنعت هسته ای ایران سنگر های علم را بشکافتند و با اراده خویش شور و شغف را از ذره های کوچک اورانیوم به قلب پاک مردم ایران تزریق کنند. اما با نگاهی اجمالی به تاریخ نشان می دهد، هر گاه ملت ایران دست بر زانو خود نهاده و آماده تحولی عظیم گردیده است؛ کشورهای استعمارگر غرق در خیانت در مقابل ایران صف کشیده اند؛ در همان سال ها، روزی که سران کشور های غربی از جمله وزیر امور خارجه فرانسه خواستار اعمال تحریم های سخت تری بر علیه ایران شد؛ همه چیز خبر از

نامزدی سزاوار لیبیک ملت است که خود و مجموعه اش را مخاطب "پایدها" قرار دهد و با روحیه ی جهادی - انقلابی وارد میدان عمل شود.

باید آگاه بود، رئیس دولتی که نتواند یا نخواهد که خدمت کند بی شک ننگ خیانت مایه ی بی آبرویی او خواهد شد. در روز رای گیری باید به کسی آری گفت که مصداق یارز آیه ی شریف "إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا" باشد.

در روز های سیاسی خرداد ماه، همزمان با انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات شوراهای شهر و روستا نیز برگزار خواهد شد. در سال های اخیر متأسفانه شاهد این بودیم که حساسیتی که به انتخابات ریاست جمهوری داده می شود به انتخابات شوراهای شهر و روستا داده نشد؛ در حالی که اهمیت شوراها از آن جهت است که خدمات شهری و روستایی (کارهای روزمره ی مردم) در اختیار منتخبین این انتخابات است.

ثنا بر پروردگار روان است - پیش یاد - که به لطف حضرتش پس از چهار دهه ی پر فراز و فرود همچنان انتخابات در روز موعود خود برگزار شده و می شود. این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که در کشور های به اصطلاح مردم سالار غربی، اگر جنگی رخ دهد و با ادانه ای اتفاق بیافتد، در انتخابات تأخیر می اندازند ولی در ایران اسلامی در هیچ برهه ای از برهه ها چنین اتفاقی رخ نداده است؛ شاهد این بودیم که تهران و خوزستان و کرمانشاه و... در زمان جنگ تحمیلی بمباران می شدند ولی در روند برگزاری انتخابات مشکلی پیش نیامد و در موعود معین برگزار می شد.

ان شاءالله با ضروری که به نیت ظهور است در انتخابات شرکت خواهیم کرد و امید است به لطف صاحب اصلی این انقلاب، حضرت حجّت بن الحسن (عج)، بر نسل جوان آرمان ها و آرزوهای بزرگ انقلاب اسلامی محقق شود.

انتخابات نظام مقدس جمهوری اسلامی را بازی دموکراسی میخوانند در حالی که پس از چهار دهه زلزله در کشور های کمونیستی و سوسیالیستی تازه به فکر برگزاری انتخابات در آینده هستند.

بعضی از افراد در ایام انتخابات برای جذب مخاطب سخن هایی از رفراندوم می زنند اینها یا کج فهم هستند و یا نمی خواهند که قبول کنند کسانی که در انتخابات شرکت می کنند معنایش این است که به چهارچوب نظام رای آری می دهند و این نشان از اعتماد به نظام است؛ هرچند گله مندی ها و مشکلاتی وجود دارد اما آگاه هستیم که این نقص ها، تنها در همین چهارچوب حل خواهد شد.



امروز در راس امور سیاسی کشور، انتخابات ۱۴۰۰ قرار دارد؛ انتخاباتی که یک روزه برگزار می شود ولی دامنه ی تأثیر آن انتخاب، محدود به چهار و یا هشت سال هم نخواهد شد.

نامزدی شایسته ی رای است که تدبیر هایش در صبح های جمعه سبب ناامیدی از آینده ی کشور نشود، فردی را باید برگزید که مواضع عزت آفرین، صحیح و عاقلانه اش سبب تثبیت انقلاب و نظام باشد؛ نباید به شعار های دارای سبقه های غیر اسلامی و غیر دینی دل سپرد چرا که نتیجه اش کلید هایی خواهد بود که در قفل ها شکسته می شود.

در خرداد ۱۴۰۰ به ردای رنگی نباید دل باخت و فریب تکرار را نباید خورد که نتیجه اش بجز ورشکستگی شرکت های نخ رسی کشور نخواهد بود که در این صورت ریاست جمهور مجبور به پوشیدن قبای ایتالیایی می شود و نمادی تأسف بار خواهد بود که از تولید ملی اش حمایت نمی کند.

سرمقاله

به وقت هوشیاری

نگاهی به مسئله انتخابات

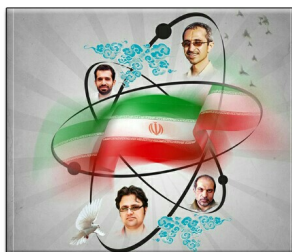
محمد مهدی کریمیان

نظام حاکم بر ایران، جمهوری اسلامی است و مناصب و مقامات ما برآمده از جمهور ملت است. اگر این انتخابات در نظام جمهوری اسلامی وجود نمی داشت امروز از انقلابی که مرد خدا، خمینی کبیر (ره)، بر پایه ی مردم سالاری دینی پایه گذاری کرده بودند، اثری نمی ماند.

مردم سالاری دینی همان شرکت مردم، حضور مردم، اراده ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور است؛ تفکر غربی به دنبال این بود که اثبات کند اسلام و معنویت سبب سلب آزادی است اما در آخر رهبران راه حق، مردم سالاری اسلامی را که اندیشه ی نوینی در قبال لیبرالیسم بود، پدید آوردند. مردم سالاری اسلامی که در مقابل مکاتب گوناگونی از قبیل لیبرالیسم و کمونیسم و فاشیسم و... قد علم کرده، متکی به انتخابات و اراده ی مردم است.

مدعیان دموکراسی که در تلاش بوده و هستند اندیشه ی نوین مردم سالاری اسلامی را که امام خمینی (ره) پایه گذار آن بود را تخریب کنند، خود کسانی هستند که در سفر به یک نظام قبیله ای عقب مانده ی منحنی محض می ایستند و در کنار رئیس قبیله به رقص شمشیر مشغول می شوند.

چه مضحک است سخن کسانی که انتخابات جمهوری اسلامی ایران را انتصایات میخوانند در حالی که زندان گوانتانامو آنها نشان نظام استبدادی است؛ هواپیماهای بدون سرنشینان بالای روستاهای محروم پاکستان و افغانستان لکه ی ننگ در دامنه اش است. چه خود را به سخره گرفته اند کشورهای به اصطلاح سوسیالیستی عرب! نگامی که



جوانان کجاید??

یادداشتی پیرامون مسئولیت جوانان در گام دوم انقلاب

امیر عباس شرفی

مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، بین المللی و نیز در عرصه های دین، اخلاق، معنویت و عدالت باید شانه های خود را به زیر بار مسئولیت دهند و از تجربه هام و عبرت های گذشته بهره گیرند. نگاه و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار ببندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند. (گزیده ای از بیانیه گام دوم انقلاب)

حالا زمانش فرا رسیده است که علم انقلاب را به دست ما جوانان بدهند؛ ما جوانان ابتدا باید واقفیت ها را آنطور که هستند ببینیم و نگرشمان را نسبت به آینده اصلاح کنیم. واقف بینی این است که سنت های الهی را بشناسیم و دستاوردها و رویش های این انقلاب را کم ارزش ندانیم. واقف بینی یعنی اینکه زمانی که کل دنیا به خلیی از کارشناسان داخلی، کار ایران نویای تازه انقلاب کرده را قطعا تمام می دانستند، امثال امام خمینی رحمة الله علیه به پیروزی امید داشتند و در نهایت ما جنگ را به نفع خود برگرداندیم؛ زمانی که فرماندهان نظامی، کار سوریه و عراق را تمام شده می دانستند، امثال سردار سلیمانی دیدگاه متفادستی داشتند و توانستند داعش را منلاشی کنند. حالا هم خلیی ها امیدی به این انقلاب ندارند و می گویند که دیگر کارش تمام است؛ اما امثال رهبر معظم انقلاب این

گونه فکر نمی کنند. چون واقفیت این است که خوبی های بسیاری وجود دارد که خلیی ها نمی توانند ببینند و قدرت حق همیشه بسیار بیشتر از قدرت باطل است. چرا که **باطل** خودش نابود شدنی و ضعیف است. (ان التابطل کان زهوقا) حالا این نا امیدی به دلیل عدم واقف و بینی و عدم شناخت درست سنت های الهی می تواند باشد. مقدرات عالم بشیرت را خوبان و جبهه حق رقم می زنند و جبهه باطل و کارهایش اثری در آینده ندارند.

خداوند به خوبان عالم نگاه می کند و آینده جهان را می چیند؛ همانطور که شرط ظهور قدرتمندی، آمادگی و یکپارچگی امت حق می باشد و مهم نیست که دشمن چقدر قوی باشد. عامل شکست انقلاب های گذشته پیامبران نیز دشمنانشان نبودند بلکه سامری ها و قارون ها بودند که از درون عامل شکست انقلاب های آنان شدند. درست زمانی که انقلاب حضرت موسی (ع) شکست خورد که خبری از فرعون و سپاهیان نبود و همگی در آب هلاک شده بودند. لذا دشمن که کاری نمی تواند دهد ما چوب ضعف خودمان را داریم میخوریم که تا به حال حضرت ظهور نکردند.

عامل قدرت دیگری وجود دارد که حکایت از به فرجام رسیدن انقلاب دارد آنهم خون گرانهای شهداست که طبق سنت الهی بسیار تاثیر گذار بر آینده است و به قول حاج حسین یکتا «این انقلاب به حرمت یک تار موی یک مادر شهید به فرجام خود رسید» این انقلاب با **خون شهدایی** آبیاری شده است که از مقامش آن هرچه بگوییم کم است و تک تک شان می توانستند

حرکت در مسیر رسیدن به حق تعالی است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ». یعنی ایشان ما را به فرزندی قبول کردند اما ما چقدر در وجودمان و در عملمان این رابطه را احساس میکنیم. ایمان ارزشمند از نظر اسلام، ایمانیست که با عمل، با مسولیت، با تکلیف و با تعهد همراه باشد و مومن کسی که زندگی او و متن واقفیت و تنوع او رنگ و بوی خدایی داشته باشد. لذا چوب گریه کردن برای حضرت علی (ع) فایده ندارد. **عمل و سیره** علی را باید نصیب العین خود قرار دهیم. خود حضرت فرماید: «شما مثل من نمی شوید اما تلاش کنید هر چه ممکن است بیش تر شبیه من بشوید.»

همان بزرگان شدن، بزرگی می آورد. اما از این استی و شنگی این ضیافت در چیست؟ گرسنگی اسرار را باید در آثار و برکات روزه جست که از جمله آن، حکمت، حفظ قلب، سبکباری به حق تعالی، اعتلا اخلاص و تقوا، سبکبازی، حق گوئی و بی پروای ای سخت و آسان زندگی، تقویت اراده و تعدیل غرایز است.

رمضان یک فرصت آشنایی است برای ما غریبه هایی که از عالم حضور و تقرب دوریم. خداوند در هر شب از **شب های ماه مبارک** رمضان سه بار می فرماید: آیا در خواست کننده ای هست که از من درخواستی کند و من در خواست او را جواب دهم؟ آیا توبه کننده ای هست تا توبه اش را بپذیرم؟ آیا استغفار کننده ای هست که من او را ببازم؟ شقی است آنکه خداوندگار حق غفور / ورا نبخشد و گردد مه صیام تمام افضل اعمال این ماه **الورع** عن محارم الله است. مگر نه این است که گناه سدا راه استی شدن است؟ پس چرا دل نمی کنیم؟ از سباهی دل کندن این همه تصمیم گرفتن و شکستن ندارد.

در این مهمانی که دعاهای مستجاب است، حسن ختام کلام، سفارش مولایمان امام زمان (عج) باشد که فرمودند: «دعای افتتاح را در تمام شب های ماه رمضان بخوانید، زیرا فرشته ها به آن گوش می دهند و برای خواننده آن طلب آمرزش می کنند.» اللهم إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ



مباح آتاز: بنده اسلامی و انجمن دانش و منتقم مردم سال: محمود لوان سرزمین: محمودی کریمیان بحث پیرامون: بحث تفریر بر گنگن حق با کسی دی jaduat_admin در خواست خود ارسال فرمایید.

می توانستند کارهای بزرگی را انجام دهند. همان طور که عاشوراییان با خون خود اسلام را نجات دادند و ابدی شدند. امروز در این **پیچ تاریخی و حساس** این شهدا هستند، که تاریخ را ساخته اند و خوششان پایه های محکم این انقلاب شده است.

خداوند متعال زمانی از امتی امتحان می گیرد که امت توانایی سر بلند شدن در امتحان را داشته باشد. خداوند خواستار این نیست که نعوذ بالله خواهد کسی را با یک امتحان رسوا کند؛ خداوند ما را هزاران هزار برابر بیشتر از مادرانمان دوست دارد. سنت الهی این است که زمانی امتحان می شویم که توانایی پیروزی در آن را باشد. شعار **ما می توانیم**، شعار بنیادی و محکم بر اساس سنت الهی است که در تمام ابعاد زندگی ما وجود دارد، لذا وقتی در امتحان اقتصادی، علمی، تولید و... قرار داریم، قطعا اگر جهاد کنیم می توانیم پیروز باشیم. **حال جوانان عزیز در نظر داشته باشیم که ما متعالم.**

ما می توانیم این انقلاب را به دستمان پیر برکت مهدی فاطمه (عج) برسانیم، آماده جهاد شویم و با دیدن واقفیت ها و دستاوردهای بزرگ انقلاب که مهمترین شان جوانان با تقوا، مستعد و معنوی هستند. خود را دست کم نگیریم و با امید و نگاه خوشبینانه به آینده در این راه گام برداریم. همچنین صبور و شکور باشیم نصرت الهی از آن ماست. (بخشی از فرمایشات رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب). اما بیش از همه چیز نخستین توصیه من

تحلیل ویژه

اندراحوالات یک توافقتنامه

تحلیلی پیرامون قرارداد ایران و چین

علی ساریخانی

آغاز گمانه زنی ها درباره قرار داد ۲۰ ساله ایران و چین شاید ۷ تیر ۱۳۹۹ بود. زمانی که محمود احمدی نژاد در ادامه سلسله نظرات عجیب خود، گفت: «دولت ایران به صورت مخفیانه در حال امضای قراردادی ۲۵ ساله با یک دولت خارجی است. هر قراردادی مخفیانه و بدون در نظر گرفتن اراده ملت ایران منعقد شود معتبر نیست و ملت ایران آن را به رسمیت نخواهند شناخت.»

این حرف ها بازار شایعات را داغ کرد و به تدریج شایعات عجیبی مانند حضور نیروهای چینی در ایران و فروش جزایر جنوبی ایران به گوش رسید.

اما واقعیت چیست؟ در ابتدا باید گفت که این یک تفاهتنامه است و مانند ترکمنچای و برجام برای ما الزام آور نیست.

اما از مزیت های مهم این سند که در بند اول به آن اشاره شده آن است که چین به عنوان **خریدار نایت** نفت خام و مشتقات آن شناخته می شود و این یعنی **فلج کردن تحریم های نفتی**.

در بندهای بعدی به مسائل مهمی نظیر فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی، سرمایه گذاری های وسیع و مسائل اطلاعاتی و امنیتی اشاره شده است.



امید و نگاه خوشبینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قتل ها، هیچ گامی نمی توان برداشت. آنچه می گویم یک امید ساده و متکی به واقعیت های عینی است. اینجانب همواره از **امید کاذب** و فریبنده دوری جسته ام. اما خود و همه را از نویدی بیجا و ترس کاذب نیز بر حذر داشته ام و هر حذر می دارم و در طول این چند سال و اکنون مانند همیشه سیاست تبلیغی و رسانه ای دشمن و فعال ترین برنامه های آن معیوب سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقفیت ها، پنهان کردن جلوه های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ، برنامه هیبتگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است و البته دنباله های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده اند که با استفاده از آزادی ها در خدمت دشمن حرکت میکنند.

شما جوانان باید پیشگام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید، در خود و دیگران نهال آینده را پرورش دهید، ترس و نا امیدی را از خود و دیگران برانید؛ این نخستین و ریشه ای ترین جهاد شماست. نشانه های امیدبخش که به برخی از آنها اشاره شد در برابر چشم شماست، **رویش های انقلابی** بسی فراتر از ریزش هاست و دست و دل های امین و خدمتگزار به مراتب بیشتر از مسفندان خائن و کیسه دوختگان است دنیا به جوانان ایرانی و پایدار ایرانی و ابتکارهای ایرانی در بسیاری از عرصه ها با چشم و احترام می نگرد. قدر خود را بداند و با قوت خداداد به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید جوانان عزیز چشم امید همه به ماست، **گام بزرگ دوم** را با عنایت از اهل بیت علیهم السلام و شهدا انشالله خواهیم برداشت.

باید این مسئله را پذیرفت که چین همواره مشکل تامین انرژی داشته است و ایران نیز به دلیل تحریم های رژیم تروریست آمریکا مشکل عدم سرمایه گذاری خارجی و ورود تکنولوژی های نوین به کشور را دارا می باشد که این توافقتنامه برای هر دو طرف راهگشا خواهد بود.

نکته بعدی که می توان به آن اشاره کرد این است که ارزش پول ملی ایران در طی ۸ سال اخیر به شدت کاهش یافته است که باید از این **تهدید** ساخت.

واقعیت ایران می تواند همان سیاستی را که چین برای توسعه اقتصاد اتخاذ کرد را اجرا کند؛ یعنی با پایین نگه داشتن ارزش پول ملی جنس ارزان تولید کند و به دلیل ارزان تر بودن کالا نسبت به تولید کنندگان دیگر باعث صادرات به تمام جهان شود و با این کار **اقتصاد** را رشد داده و **تورم** را کاهش دهد.

حال جالب اینجاست کسانی که روزی امضای کسری را تضمین می دادند و امروز علی رقم پند های رهبر انقلاب وارد عصر توبه آمریکا شده اند، منتقد این تفاهتنامه شده اند در حالی که در **بیتلاق برجام** هنوز در حال غرق شدن هستند.

در آخر باید به این نکته فکر کرد که چرا در نظر بعضی توافقی با کشور های غربی و در راس آنها آمریکا به منزله حل همه مشکلات است اما تفاهم با کشور های ضعیف تر از خودمان یعنی خدمات قوی تر از خودمان یعنی مستعمره شدن کشور؟! و چه زیبا جلال آل احمد در کتاب غرب زدگی خود می گوید: انسان غرب زده معمولاً تخصص ندارد همه کاره است و هیچ کاره اما چون به هر صورت درسی خوانده و مکتبی دیده بلد است در هر جمعی حرف های دهن پر کن بزند و خود را جای کند!

شهادت مدافع حرم

مجید بربری

نگاهی به زندگانی شهید مجید قربانخانی

خانم علیدای رابنی

اسمش مجید قربانخانی بود اما توی یافت آباد تهران بهش میگفتن مجید بربری...



عاشق قلیون بود و بیشتر وقتا باید توی قهوه خونه پیداش میکردی. همیشه چاقو سلاخی جیبش میگذاشت و به خالکوبی روی دستش خود نمایی میکرد. درسته که آدم **شتر** و شوری بود اما در عین حال **لوتی منش** و با مرام بود. اربعین ۹۳ آقا میطلبید و راهی کربلا میشه وقتی که برمیگرده ازش میبرسن مجید بین الحرمین چی خواستی؟ میگه: هیچی فقط گنتم امام حسین (ع) آدمم کن...

چند وقت بعد از آن مرتضی بریمی آشنا میشه و یه شب به پیشنهاد مرتضی میرن هییت... اون شب توی هییت از مدافعان حرم و نا امینی سوریه و حرم **حضرت زینب (س)** میشونه و اونقدر سینه میزنه و گریه میکنه که از حال میره...

از هسون شب تصمیم میگیره برای دفاع از حرم عازم سوریه بشه. اما مخالفت های زیاد خانواده راه رو براش سخت میکنه... بالاخره بدون خداحافظی **میره سوریه**...

شب عملیات که از راه میرسه همه راهی میدون جنگ میشن ... اما... با رفتن مجید مخالفت میشه... چشمش که به حاج سعید میخوره صدش میزنه...

حاج سعید داری میری به سلامتی؟ آره مجید... یاشون نمیبوی؟

دستشو میاره بالا و به خالکوبی های روی دستش اشاره میکنه... حاجی من چه خاکی تو سرم بریزم... بی خدا میبخشه منو؟

این چه حرفیه مجید اگه نبخشیده بود الان اینجا نبودی... حاج سعید میره که سوار ماشین بشه... مجید داد میزنه...

حاج سعید حلالا میبینی فردا صبح خدا هم اینو پاکش میکنه هم خاکش میکنه «تلا میبینی...» حاج سعید هم از جلوی چشما میجد دور میشه...

فردا صبح هوا سرد بود... نم نم بارون سرما رو چندین برابر میکرد...

بوی خاک و خون فضا رو پر کرده بود... صدای **بیسیم های بی صاحب** توی دشت میپیچید...

نفری ها به شهادت رسیده بودن و چند تفری هم جایز شده بودن... مجید هم نزدیک یکی از سنگر ها روشن پر کشیده بود و آرام خوابیده بود...

کسی نتونست برشون گردونه عقب... گرگای داعشی از راه میرسن ... بیکرشون رو اربا اربا میکنند و با اسید میسوزون...

و خدا! اینجوری بنده هاشو پاک میکنه و خاک میکنه... قسمتی از وصیت نامه شهید [صحتیم با حضرت امام خاتمه ای: آقا جان گر صدبار دیگر متولد شوم برای اسلام و مسلمین جان میدهم...]